

مطالعه تطبیقی ساختار و صلاحیت‌های شورای نگهبان با دادگاه عالی فدرال عراق و دادگاه عالی قانون اساسی سوریه



محمد جلیلی شاه‌منصوری*^۱ ID سیدابراهیم حسینی^۲ ID

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qiplk.2025.2073.1860](https://doi.org/10.22034/qiplk.2025.2073.1860)

چکیده

بر اساس اصل سلسله مراتبی و تفوق قانون اساسی بر سایر قوانین و انطباق با شریعت یا عدم مخالفت قوانین و مقررات با شریعت در بعضی از کشورهای اسلامی، به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، نهاد پایشگر به عنوان ضمانت اجرا تأسیس شده است. البته معمولاً این نهاد، که در ایران شورای نگهبان و در عراق دادگاه عالی فدرال و در سوریه دادگاه عالی قانون اساسی نام دارد، متکفل امور دیگری مانند تفسیر قانون اساسی یا نظارت بر برگزاری انتخابات نیز است. این نهادها به لحاظ ساختاری و قلمرو صلاحیت مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که به شیوه توصیفی-تحلیلی و بررسی تطبیقی امتیازات یا محدودیت‌ها و مشکلات و چالش‌ها به عنوان تجربه‌ای برای اصلاحات روشن می‌شود. استقلال نهاد شورای نگهبان و دادگاه قانون اساسی سوریه از نقاط قوت است و در نقطه مقابل دادگاه عالی فدرال عراق در زمره قوه قضاییه و فقدان استقلال لازم از چالش‌های آن است. از طرف دیگر حجم انبوه وظایف و محدودیت تشکیلات از مشکلات نهاد شورای نگهبان و وجود تشکیلات و نیروی انسانی کافی از نقاط قوت دو نهاد مشابه آن در عراق و سوریه است. افزون بر آن شیوه نظارت متفاوت آن دو نهاد در عراق و سوریه و نیز شکل دولت فدرالی کشور عراق موجب تفاوت‌های زیادی در صلاحیت نهادهای نام‌برده شده است.

کلیدواژگان: دادگاه عالی فدرال، دادگاه عالی قانون اساسی، ساختار شورای نگهبان، شورای نگهبان، صلاحیت‌های شورای نگهبان.



مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری نظام مقدس جمهوری اسلامی بر اساس وحی الهی و آموزه‌های ناب دینی موجبات تغییر عمده در سیستم اجرایی، قضایی، و تقنینی کشور را فراهم آورد. نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین دینی و قانون اساسی به عنوان منشور وفاق ملی فلسفه پایه‌گذاری نهاد شورای نگهبان شد. جایگاه و کارکرد مهم شورای نگهبان بررسی و کاوش دقیق ساختار و صلاحیت‌های آن را اقتضا می‌کند. با عطف توجه به اینکه در سایر کشورها نیز نهادهای مشابه وجود دارد، مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای به منظور استخراج نقاط قوت و ضعف بیشتر می‌تواند به توسعه و تکمیل نهاد یادشده منتهی شود. نوشتار حاضر با انتخاب کشور عراق با شکل دولت فدرالی و نظام پارلمانی و نیز کشور سوریه با شکل دولت بسیط و نظام نیمه‌ریاستی به بحث و کاوش ساختار و صلاحیت‌های شورای نگهبان و نهادهای مشابه می‌پردازد و از این رهگذر به برخی از چالش‌های همیشگی نظام انتخاباتی ایران، از جمله نظارت استصوابی شورای نگهبان و نیز میزان سن اعضا و موارد دیگر، از طریق تطبیق و مستند به مواد قانونی، پاسخ داده می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

در پژوهش‌های مختلف، مفهوم‌شناسی با هدف دستیابی به روشن‌سازی واژگان جدید استفاده می‌شود و اهمیت بسیار دارد. در بحث حاضر، دو واژه اصلی عنوان مورد مناقشه، یعنی «دادگاه عالی قانون اساسی» و «دادگاه عالی فدرال»، به صوت مختصر مورد کاوش و تبیین قرار می‌گیرد. برجستگی و برتری قانون اساسی نسبت به سایر قواعد حقوقی (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۵: ۴۴) موجب شده است همه کشورها نهادی را برای کنترل و نظارت بر عدم مخالفت قوانین عادی با قانون اساسی تأسیس کنند. در این میان، نظارت در کشورهای مختلف گاه قضایی و پسینی است که توسط دادگاه اعمال می‌شود یا اینکه نظارت سیاسی و پیشینی است که توسط نهاد سیاسی تحقق می‌پذیرد (اصلانی و پروین، ۱۳۹۱: ۵۶ - ۶۰). در ایران شورای نگهبان مستقل از قوای سه‌گانه و از جمله قوه قضاییه است و به عنوان یک نهاد حقوقی واجد صلاحیت‌های معین در قانون اساسی است. اما در عراق نهاد کنترل‌کننده قوانین عادی در جهت عدم مخالفت با قانون اساسی دادگاه عالی فدرال و به زبان عربی «المحکمه الاتحادیه العلیا» است که به موجب ماده ۸۹ قانون اساسی یکی از اجزای قوه قضاییه محسوب می‌شود. این

دادگاه به عنوان یک نهاد قضایی در عراق شناخته می‌شود که مسئولیت نظارت بر تطابق قوانین و اقدامات دولتی با قانون اساسی عراق را بر عهده دارد. دادگاه عالی فدرال در اصل به عنوان نهاد اصلی برای اطمینان از حفظ اصول قانون اساسی عمل می‌کند؛ همچنان که این نقش را در سوریه دادگاه قانون اساسی و به زبان عربی «المحکمه الدستورية العليا» متکفل شده که به موجب ماده ۱۴۰ قانون اساسی آن کشور یک هیئت قضایی مستقل است که حداقل هفت عضو دارد (الشربجی، ۲۰۱۳: ۱۱۹). این دادگاه یکی از ارکان قضایی مستقل کشور سوریه است که مسئولیت بررسی و نظارت بر تطابق قوانین و مقررات با قانون اساسی سوریه را بر عهده دارد. دادگاه قانون اساسی سوریه به طور خاص بر اطمینان از عدم مغایرت تصمیمات دولتی و قوانین با اصول اساسی کشور نظارت می‌کند. لکن صلاحیت و وظایف دیگری هم دارد که در ماده ۱۴۶ قانون اساسی سوریه بیان شده است.

۲. ساختار شورای نگهبان و دادگاه عالی فدرال عراق و دادگاه قانون

اساسی سوریه

شورای نگهبان به عنوان نهاد قانونی (اصلانی، ۱۳۹۱: ۶۱) به موجب اصل ۹۱ قانون اساسی متشکل از شش فقیه و شش حقوقدان (لطفی، ۱۳۸۹: ۲۸۰) است که در ادامه به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی با دادگاه عالی فدرال و دادگاه عالی قانون اساسی در عراق و سوریه مورد کاوش قرار می‌گیرد.

۲-۱. شرایط اعضا

اعضای شورای نگهبان در ایران متشکل از شش فقیه و شش حقوقدان است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرایط و صفات اعضای شورای نگهبان به صراحت بیان شده است. به موجب اصل ۹۱ برای فقهای شورای نگهبان شرط قوه استنباط احکام اسلامی از منابع فقهی، عدالت، و نیز آشنایی با مقضیات زمان در نظر گرفته شده است و برای حقوقدانان شرایطی از قبیل مسلمان بودن و تخصص در رشته‌های مختلف حقوقی تصریح شده است (محسنی، ۱۳۹۵: ۲۰۴). با عطف توجه به اصل ۴ قانون اساسی و تصریح به لزوم مطابقت همه قوانین و مقررات با موازین اسلامی و نیز پذیرفتن برتری قانون اساسی بر سایر قوانین، ترکیب فوق منطقی است. به عبارت دیگر با توجه به استواری قانون اساسی بر مبانی اسلامی وجود چند فقیه مجتهد برای تشخیص عدم مغایرت قوانین مصوب با احکام و مسائل اسلامی

ضرورت دارد. از سویی دیگر با نظر به تكثر قوانین مصوب در رشته‌های مختلف حقوقی ضرورت وجود حقوقدانانی از رشته‌های مختلف در شورای نگهبان انکارناپذیر است. پرواضح است که افزون بر فهم اصطلاحات و ادبیات حقوقی (ورعی، ۱۳۸۵: ۴۸۸) احاطه به محتوای قانون به شکل عام نیاز به تخصص در آن گرایش حقوقی دارد. در قانون اساسی عراق، به موجب ماده ۹۲ قانون اساسی، اعضای دادگاه عالی فدرال متشکل از کارشناسان فقه اسلامی و نیز حقوقدانان است (الموزانی، ۲۰۱۷: ۲۶). در قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی قانون اساسی سوریه در ماده ۴ چهار شرط برای عضویت در آن دادگاه آمده است:

۱. ملیت سوری باشد و هم‌زمان تابعیت دیگری نداشته باشد.

۲. ۴۰ سالش تمام شده باشد و کمتر از ۷۲ سال باشد.

۳. واجد مدرک حقوق یکی از دانشگاه‌های سوریه یا معادل آن باشد.

(د) به مدت حداقل پانزده سال به شغل قضایی یا وکالت یا تدریس در دانشکده‌های حقوق اشتغال داشته باشد (اسماعیل، ۲۰۰۱: ۳۴۰).

تعداد اعضای دادگاه قانون اساسی سوریه در قوانین اساسی متفاوت است. در قانون اساسی سال ۱۹۲۰ شش نفر و در سال ۱۹۳۰ پنج نفر قاضی معین کرده بود. اما مقایسه متون قانون اساسی فعلی سوریه نشان می‌دهد که متن مندرج در آن از نظر عدم تعیین دقیق تعداد قضات دادگاه قانون اساسی و صرفاً بیان حداقل با روندهای اتخاذشده توسط اکثر قوانین اساسی جهان و قوانین دادگاه‌های قانون اساسی نافذ متفاوت است. قانون اساسی فعلی سوریه به موجب ماده ۱۴۱ تعداد اعضای دادگاه قانون اساسی را حداقل هفت نفر دانسته است. مزیت این شیوه آن است که در شرایط اضطراری و پرکار دادگاه می‌تواند از افراد دیگر برای پیشبرد امور استفاده کند. (دراجی، ۲۰۲۰: ۷). لکن عدم تعیین دقیق اعضای نهادی مهم، مانند دادگاه قانون اساسی، آفاتی بیش از مزایای آن دارد. بدین جهت در قانون دادگاه قانون اساسی سال ۲۰۱۷ سوریه به موجب ماده ۳ تعداد اعضای آن دادگاه یازده نفر معین شده است.

بررسی و تحلیل و مقایسه متون قوانین و تعداد و شرایط اعضای شورای نگهبان و نهادهای مشابه در عراق و سوریه نکات مهمی را نشان می‌دهد؛ بدین توضیح که یکی از شرایط اعضای شورای نگهبان در ایران عدالت است؛ امری که تصریح بدان نشان از اهمیت ویژه آن دارد. بدین موضوع گرچه در قانون اساسی عراق اشاره شده (صلاح، ۲۰۱۱: ۴۵) در متون قانونی

سوریه مغفول مانده است. همچنین، در بعد شرایط علمی، قوانین سوریه به نظر دقیق‌تر و شفاف‌تر این بحث را پوشش داده‌اند؛ بدین صورت که حداقل پانزده سال اشتغال به شغل قضایی یا وکالت یا تدریس در دانشکده‌های حقوق را از شرایط بیان کرده‌اند (اسماعیل، ۲۰۰۱: ۳۴۰). در ایران گرچه یکی از شرایط حقوقدانان تخصص است، به موجب اطلاق آن، چنانچه فردی در یکی از رشته‌های تخصصی حقوق امروز در دانشگاهی فارغ‌التحصیل شود، می‌توان به عنوان حقوقدان برای شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. البته این اشکال صرفاً در قوانین است؛ والا در مقام عمل مرتفع است. چه اینکه حقوقدانان شورای نگهبان ضمن معرفی و انتخاب از سوی رئیس قوه قضاییه در مجلس شورای اسلامی نیز مورد بررسی و صلاحیت‌سنجی قرار می‌گیرند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

۲-۲. مدت عضویت

مطابق اصل ۹۲ اعضای شورای نگهبان اعم از حقوقدانان و فقها برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند. لکن با توجه به ابتکاری که در ادامه اصل یادشده وجود دارد، در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آن‌ها انتخاب می‌شوند. بدین سان از ابتدای نیمه دوم اعضای جدیدی برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند و اعضای باقی‌مانده سابق بعد از اتمام نیمه دوم عضویتشان خاتمه پیدا می‌کند. این‌گونه انتخاب موجب می‌شود صاحب‌نظران جدید در مدت سه سال از تجربیات و مهارت اعضای قدیم شورا بهره‌مند شوند. نکته قابل توجه اینکه به موجب ماده ۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان در صورت فوت یا استعفا یا عزل یکی از اعضا شخص دیگری که جای او انتخاب می‌شود برای مدت باقی‌مانده خواهد بود. این بدان معناست که فواصل دوره‌ای برای انتخاب اعضا محفوظ و بدون تغییر خواهد ماند (هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۲۹ - ۲۳۰). در قانون اساسی جمهوری اسلامی به موضوع تعیین موعد مقرر برای انتخاب اعضای جدید پرداخته نشده است. لکن در ماده ۶ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان چهل روز قبل از پایان عضویت اعضایی که عضویتشان در شرف انقضا است دبیر شورای نگهبان ضمن نامه‌ای مراتب را در مورد فقها به مقام رهبری و در مورد حقوقدانان به رئیس قوه قضاییه اعلام می‌کند. در قانون عراق به جهت آنکه عضویت اعضای انتخاب‌شده مادام‌العمر است نمی‌توان زمان خاصی برای انتخاب عضو جدید تعیین کرد؛ مگر آنکه استعفا دهد، عزل شود، یا فوت کند.

گفتنی است گرچه به انتخاب مجدد اعضای سابق در دوره جدید در قوانین ایران تصریح نشده، وقوع خارجی آن در دوران تشکیل حکومت جمهوری اسلامی دلیل بر امکان از جهت حقوقی است. اما در قانون عراق به موجب بند ۳ ماده ۶ قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال اعضا به صورت مادام‌العمر منصوب می‌شوند؛ مگر اینکه خودشان راغب به ادامه همکاری نباشند (الموزانی، ۲۰۱۷: ۳۸). لکن در قانون جدید دادگاه عالی فدرال، یعنی قانون شماره ۲۵ سال ۲۰۲۱، قانون اصلاحیه اول (دستور شماره ۳۰ سال ۲۰۰۵)، قانون دیوان عالی فدرال در ماده ۳ آورده است: «بند ۳ ماده ۶ قانون سابق ملغاً می‌شود و دو بند زیر جانشین آن می‌شود: الف) رئیس، معاون رئیس، و اعضای دادگاه که قاضی هستند پس از تکمیل سن هفتاد و دو سالگی (۷۲) با فرمان ریاست‌جمهوری بازنشسته می‌شوند. این بازنشستگی استثنایی بر احکام قانون بازنشستگی یکپارچه شماره ۹ سال ۲۰۱۴ و اصلاحات آن و احکام قانون سازمان قضایی شماره ۱۶۰ سال ۱۹۷۹ و اصلاحات آن یا هر قانونی که جایگزین آن‌ها شود اعمال می‌شود؛ ب) رئیس و اعضای دادگاه عالی فدرال که بر اساس فرمان جمهوری شماره ۲ مورخ ۱ ژوئن ۲۰۰۵ و فرمان جمهوری شماره ۳ مورخ ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ منصوب شده‌اند با فرمان ریاست‌جمهوری و بر اساس احکام قانون شماره ۱۶۰ سال ۱۹۷۹ و اصلاحات آن و قانون بازنشستگی یکپارچه شماره ۹ سال ۲۰۱۴ و اصلاحات آن یا هر قانونی که جایگزین آن‌ها شود بازنشسته می‌شوند. این بازنشستگی استثنایی بر بند «الف» این ماده اعمال می‌شود و پس از انتخاب رئیس و اعضای دادگاه بر اساس احکام بند دوم از ماده ۳ از دستور قانونی شماره ۳۰ سال ۲۰۰۵ و اصلاحات آن صورت می‌گیرد».

تفاوت این دو بند از جهت مضمولین است؛ بدین توضیح که بند «الف» شامل رئیس و معاون رئیس و اعضای دادگاه (به طور کلی و بدون اشاره به نوع خاصی از دادگاه) است که قاضی هستند، ولی بند «ب» به طور خاص به رئیس و اعضای دادگاه عالی فدرال اشاره دارد که بر اساس دو فرمان مشخص جمهوری (سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷) منصوب شده‌اند. افزون بر آن بند «الف» بازنشستگی را بر اساس رسیدن به ۷۲ سالگی تعیین می‌کند و آن را مستثنی از قوانین بازنشستگی و سازمان قضایی موجود می‌کند، یعنی بدون در نظر گرفتن قوانین معمول بازنشستگی در ۷۲ سالگی بازنشسته می‌شوند. لکن در بند «ب» بازنشستگی را بر اساس قوانین

شماره ۱۶۰ سال ۱۹۷۹ و قانون بازنشتگی یکپارچه شماره ۹ سال ۲۰۱۴ (و اصلاحات آن‌ها) تعیین می‌کند.

در سوریه به موجب ماده ۱۴۳ قانون اساسی و نیز ماده ۳ قانون دادگاه عالی قانون اساسی اعضا برای مدت چهار سال قابل تمدید انتخاب می‌شوند (دراجی، ۲۰۲۰: ۱۲). در مقام ارزش‌گذاری حقوقی هر دو دیدگاه واجد جوانب مثبت و منفی هستند؛ بدین توضیح که در روش مادام‌العمری دستگاه یادشده از وجود سلاقی و ابتکارات افراد جدید محروم است، لکن تجربه حاصل از کاوش پرونده‌های مختلف می‌تواند در پیشبرد امور نقش درخور توجهی ایفا کند. از سویی دیگر در روش عضویت به مدت معین، گرچه از وجود نیروهای جدید استفاده می‌شود، کمبود تجربه و عدم پختگی ممکن است آثار سوئی به دنبال داشته باشد. در این میان به نظر می‌رسد جمع بین دو نظر موجب بهره‌وری نهادها از وجوه مثبت و کاهش حداقلی نقوصات می‌شود؛ بدین معنا که مدت عضویت معین و موقت باشد، لکن با تدابیری نظیر امکان تجدید یا طولیل کردن مدت عضویت از آسیب‌های یادشده کاسته شود.

۲-۳. استعفا، عزل، فوت اعضا

قانون اساسی در این باره اشاره‌ای ندارد. لکن به موجب ماده ۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان در صورت استعفا یا عزل یا فوت اعضا شخص دیگری به جای او انتخاب خواهد شد. گرچه درباره شیوه انتخاب عضو جانشین در قوانین ایران سخنی به میان نیامده است، به نظر می‌رسد به همان شیوه انتخاب عضو اصلی است و دلیل عدم تصریح بدین امر روشنی و وضوح آن است.

گفتنی است به موجب ماده ۷ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان چگونگی استعفای عضو شورای نگهبان بدین صورت است که عضو طالب استعفا باید استعفانامه خود را کتباً به دبیر شورا اعلام کند و دبیر آن را در اولین جلسه شورا قرائت می‌کند. چنانچه ظرف یک هفته از تاریخ قرائت عضو مستعفی استعفای خود را مسترد نداشت، اگر از فقها باشد استعفانامه او به مقام معظم رهبری و چنانچه حقوقدان باشد استعفانامه او به رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود.

گفتنی است عزل فقهای مجلس شورای نگهبان مطابق بند ۶ اصل ۱۱۰ نیز جزء وظایف و اختیارات رهبری دانسته شده است. بدین ترتیب، هرگاه یکی از اعضای فقیه شورای نگهبان

نتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد، مقام رهبری می‌تواند وی را برکنار کند. اما درباره عزل حقوقدانان شورای نگهبان قانون اساسی و نیز آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان ساکت است و در ماده ۷ آیین‌نامه یادشده تنها به استعفای حقوقدانان پرداخته شده است. گرچه به موجب اصول حقوقی هر کسی که نصب می‌کند حق عزل دارد، با عطف توجه به اینکه حق عزل حقوقدانان شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی موجب خدشه در استقلال شورای نگهبان می‌شود، امکان اعطا به مجلس شورای اسلامی وجود ندارد.

به علت عزل از سوی مقام معظم رهبری در ماده قانونی تصریح نشده است. لکن می‌توان مواردی مانند فساد اخلاقی و مالی و ناکارآمدی را یادآور شد. اما در قانون عراق در بند ۲ ماده ۶ قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال به محکومیت فساد تصریح شده است. بر این اساس به موجب بند ۳ ماده ۶ قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال هر یک از اعضای دادگاه عالی می‌توانند از ادامه همکاری صرف‌نظر کنند و با توجه به اینکه به طریق انتخاب جانشین وی اشاره‌ای نشده به نظر می‌رسد قانون عراق شیوه انتخاب عضو مستعفی را برای عضو جدید هم پذیرفته است؛ ضمن اینکه برخلاف قانون ایرانی درباره شیوه انصراف و قطع همکاری اعضا صریحاً سخنی به میان نیامده است (صلاح، ۲۰۱۱: ۵۰) و به موجب قانون شماره ۲۵ سال ۲۰۲۱ قانون اصلاحیه اول (دستور شماره ۳۰ سال ۲۰۰۵) قانون دیوان عالی فدرال این بند حذف و الغا نشد و بنابراین مطابق آن عمل می‌شود.

در متون قانونی سوریه به موجب ماده ۵۰ قانون دادگاه عالی قانون اساسی، عضو دادگاه جز در مواردی که در این قانون مقرر شده است مشمول عزل نمی‌شود. در همین قانون در ماده ۵۲ آمده است: «هیئت عمومی دیوان در موارد زیر می‌تواند با رأی مستدل یکی از اعضای دیوان را عزل کند:

الف) در صورت از دست دادن شرایط مورد نیاز سمت خود.

ب) در صورتی که یکی از اعضای دادگاه به چیزی متهم شود که موجب تضعیف اعتماد یا حیثیت یا نقض جدی وظایف یا الزامات شغلی وی شود.

و نیز در صورتی که هر کدام از اعضا بخواهد استعفا بدهد به موجب ماده ۵۱ استعفای خود را از سمت خود برای اتخاذ تصمیم به ریاست جمهوری تقدیم می‌کند (دراجی، ۲۰۲۰: ۱۲).

۲-۴. منع وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی

وجود احزاب و گروه‌های سیاسی در کشورهای مختلف و نیز رقابت برای تصاحب قدرت بین آن‌ها امری طبیعی است. شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر بر رقابت یادشده نباید هیچ‌گونه تعلقی به طرفین یا اطراف رقابت داشته باشد. گرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین در آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان بدین امر اشاره‌ای نشده، به نظر می‌رسد با وجود اصل بی‌طرفی مقام ناظر به عنوان یکی از اصول حاکم بر انتخابات بی‌نیاز از ذکر قاعده حقوقی است. چه اینکه فصل‌الخطاب بودن آرای شورای نگهبان در همه مراحل انتخابات در گرو حفظ استقلال کارکردی و ساختاری آن قوه است (نیکونهاد و عساکره، ۱۳۹۸: ۱۱). اما در قانون اساسی کشور عراق به موجب بند ۲ ماده ۹۸ قانون اساسی اعضای دادگاه عالی فدرال از وابستگی به هر گونه حزب یا سازمان سیاسی یا هر گونه فعالیت سیاسی منع شده‌اند (صلاح، ۲۰۱۱: ۵۰). در سوریه در ماده ۵۶ قانون دادگاه عالی قانون اساسی هر آنچه بر قاضی ممنوع شده به ممنوعیت آن برای اعضای دادگاه عالی قانون اساسی هم تصریح شده است؛ چنان که ماده ۸۱ قانون قوه قضاییه سال ۱۹۶۱ نیز بر قضات گرایش‌های سیاسی و اشتغال به فعالیت‌های سیاسی را ممنوع دانسته است. به موجب این ماده قضات نباید نظرات یا گرایش‌های سیاسی خود را در معرض دید عموم قرار دهند و از مشارکت در فعالیت‌های سیاسی منع شده‌اند. این قانون به منظور حفظ استقلال قضات و جلوگیری از هر گونه تأثیرگذاری سیاست‌ها و جریان‌های سیاسی بر تصمیمات قضایی وضع شده است. هدف اصلی این است که قضاوت‌ها بی‌طرفانه و بر اساس قانون و انصاف و نه تحت تأثیر منافع یا گرایش‌های سیاسی انجام شود (اسماعیل، ۲۰۰۱: ۳۴۰).

۲-۵. منع جمع عضویت شورا با سایر مشاغل دولتی

تجویز جمع بین مشاغل دولتی توالی فاسدی به دنبال دارد؛ از قبیل وقفه در ارائه خدمات، اعمال نفوذ، انحصارطلبی و استبداد، رشد بی‌کاری، لوٹ شدن مسئولیت‌ها، و تضییع حقوق عامه مردم. از این رو منع تصدی بیش از یک منصب برای کارکنان رسمی نهادهای عمومی و به‌خصوص شورای نگهبان با توجه به جایگاه نظارتی‌اش بی‌نیاز از توضیح است (خنک‌داری، ۱۳۹۹: ۷۸). در قوانین ایران گرچه اصل ۱۴۱ قانون اساسی این مطلب را تشریح کرده است، به جهت مغفول ماندن و فقدان ضمانت اجرای کافی، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۳

قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را به تصویب رساند. نقص در مشمولیت این قانون نسبت به اعضای شورای نگهبان و در نتیجه وجود اعضای چندشغلی در شورای نگهبان و ضرورت حضور فعال و مؤثر اعضای شورای نگهبان در این نهاد و اهتمام آنان جهت پرداختن به امور جاریه شورای نگهبان مجلس را بر آن داشت تا در سال ۱۳۸۶ طرح یک‌فوریتی الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را به تصویب نهایی برساند. اما با توجه به مخالفت شورای نگهبان و اختلاف بین مجلس و شورا طرح یادشده به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال و در نهایت متن زیر به عنوان یک تبصره به ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ الحاق شد:

تبصره- عضویت هم‌زمان تمام اشخاص شاغل در هر یک از قوای سه‌گانه و مؤسسات و سازمان‌های تابعه آن‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام بوده و به هر مقدار از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند بر شورای نگهبان به جز مشاغل آموزشی موضوع تبصره ۱ و افراد موضوع تبصره ۸ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ به عنوان حقوق‌دان ممنوع است و این ممنوعیت شامل اعضای کنونی شورای نگهبان که قبل از این قانون انتخاب شده‌اند نیز می‌شود و چنانچه ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون استعفا ندهند از عضویت در شورای نگهبان مستعفی شناخته می‌شوند.

در قانون اساسی کشور سوریه در ماده ۱۴۲ به ممنوعیت جمع بین عضویت در دادگاه قانون اساسی و دو مورد دیگر، یعنی وزیر و نماینده مجلس شعب، تصریح شده است. در همین ماده ممنوعیت با مشاغل دیگر را به قانون عادی ارجاع داده است که در قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ به موجب ماده ۶ دادگاه عالی قانون اساسی افزون بر دو مورد یادشده به ممنوعیت جمع با هر شغلی به استثنای تدریس در دانشگاه تصریح شده است. همچنین به موجب ماده ۶۱ قانون دادگاه عالی قانون اساسی در صورتی که یکی از اعضای دادگاه واجد پروانه وکالت باشد در مدت عضویت در دادگاه از وکالت خودداری می‌کند. اما در صورتی که از هیئت علمی دانشکده حقوق محسوب شود آن عضویت می‌تواند استمرار یابد و در دانشکده به صورت نیمه‌وقت مشغول فعالیت شود (الشربجی، ۲۰۱۳: ۱۲۵). در کشور عراق اهمیت امر بدان اندازه است که این امر درباره قضات همه دادگاه‌ها و از جمله دادگاه عالی فدرال در ماده

۹۸ قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. در ایران اما به این امر درباره فقهای شورای نگهبان پرداخته نشده است (صلاح‌خلف، ۲۰۱۱: ۵۰).

۳. صلاحیت‌های شورای نگهبان و دادگاه عالی قانون اساسی سوریه و دادگاه عالی فدرال عراق

شورای نگهبان و دادگاه قانون اساسی سوریه و دادگاه عالی فدرال عراق اختیاراتی دارند که در قوانین اساسی یا آیین‌نامه‌های آن‌ها تصریح شده است و ذیلاً بدان پرداخته می‌شود.

۳-۱. نظارت بر قوانین و مقررات کشور

قبل از ورود به بحث، توضیح کوتاهی از معانی سه واژه «قانون»، «آیین‌نامه»، و «اصل» بیان می‌شود. قانون قاعده‌ای حقوقی وضع شده از مقام صلاحیت‌دار (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۴: ۲۸۴۶) است که واجد چهار عنصر کلیت، آمریت، لاحتیت، و تشریفات است (مدنی، ۱۳۸۹: ۱۶۳) که اصطلاحاً آن را قانون به معنا عام می‌گویند و بدین معنا شامل قانون اساسی، قوانین مصوب مجلس، و آیین‌نامه می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۶۹). اما قانون به معنای خاص قوانینی است که به استناد اصل ۷۱ قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و بر اساس اصل ۷۳ از آن تعبیر به قانون عادی می‌شود (تسخیری، ۱۳۸۶: ۴۴۷). آیین‌نامه به معنای مقرراتی است که از طرف قوه مجریه وضع می‌شوند (مدنی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). واژه «اصل» در اصطلاح حقوقی به معنای قاعده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۱: ۴۲۲) که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جای واژه «ماده» به کار می‌رود. در محل بحث نظارت از قانون عادی و آیین‌نامه مطمح نظر است. یکی از وظایف مهم شورای نگهبان نظارت بر قوانین، آیین‌نامه‌ها، و مصوبات به منظور عدم مغایرت و نه مطابقت با شرع و قانون اساسی است. به موجب اصل ۹۶ قانون اساسی عدم مغایرت با شرع مقدس را اکثریت فقهای شورای نگهبان و با قانون اساسی را اکثریت مجموع اعضای شورای نگهبان اعلام می‌دارند.

گرچه آیین‌نامه به جهات مختلف قابل تقسیم است، از جهت فقدان سابقه قانونی آیین‌نامه‌های دولتی بر دو قسم‌اند:

۱. آیین‌نامه‌هایی که مسبوق به قانون هستند. این آیین‌نامه‌ها نیز به دو قسم تقسیم می‌شوند: الف) آیین‌نامه اجرایی: بدین صورت است که نخست قانونی توسط مجلس تصویب می‌شود و در همان قانون دولت مکلف به تهیه آیین‌نامه اجرایی می‌شود؛ یعنی دولت به دعوت صریح یا

ضمنی قانونگذار به منظور تشریح جزئیات قانون مصوب اقدام به وضع آیین‌نامه می‌کند (طباطبایی: ۳۱۰). نظارت بر این نوع آیین‌نامه همانند آیین‌نامه‌های مستقل است که در محل خود مورد کاوش قرار می‌گیرد؛ ب) آیین‌نامه تفویضی: آیین‌نامه‌هایی که به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی دولت اختیار وضع آن‌ها را به دولت می‌دهد. به موجب اصل یادشده مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی، یا وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد. نظارت بر این نوع از آیین‌نامه‌ها همانند قوانین مصوب مجلس پیشینی است. یعنی رئیس‌جمهور مکلف است قبل از ابلاغ برای اجرا آن را به منظور عدم مخالفت با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال کند. البته یکی از شرایط صحت آیین‌نامه‌ها عدم مخالفت با قوانین مافوق است که بدین منظور رئیس‌جمهور به موجب اصل ۱۳۸ و ۸۵ قانون اساسی آیین‌نامه را ضمن ابلاغ به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رساند تا در صورتی که آن‌ها را مخالف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد.

۲. آیین‌نامه‌های مستقل: در زمانی که تکلیف قانونی وجود ندارد وزرا یا هیئت وزیران به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌توانند به وضع آیین‌نامه اقدام کنند (امامی و استوارسنگری، ۱۳۹۷: ۵۵ - ۵۶). نظارت بر این قسم از آیین‌نامه‌ها پسینی است. یعنی به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی هر کس می‌تواند ابطال مقررات مخالف قوانین و مقررات اسلامی را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. اطلاق این اصل مشمول نهادهای حقوقی حقوق عمومی هم می‌شود. گرچه در اصل ۱۷۳ قانون اساسی تعبیر «مردم» نه «هر کس» آمده، به نظر می‌رسد این دو اصل با هم منافاتی ندارند. چه در اصل ۱۷۳ به جهت بیان تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران از واژه «مردم» استفاده شده است و بنابراین ناقض اطلاق موجود در اصل ۱۷۰ نیست. با توجه به توضیحات بیان‌شده ملاحظه می‌شود که شورای نگهبان نظارت پسینی درباره این دو نوع از آیین‌نامه‌ها (آیین‌نامه‌های اجرایی و آیین‌نامه‌های مستقل) ندارد. اما بعد از شکایت به دیوان عدالت اداری، به موجب ماده ۸۷ قانون دیوان عدالت اداری، در صورتی که مصوبه‌ای از جهت مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، دیوان مکلف است موضوع را برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کند.

در قانون اساسی عراق به موجب ماده ۹۳ و همچنین به موجب ماده ۲ شماره ۲۵ سال ۲۰۲۱ قانون اصلاحیه اول (دستور شماره ۳۰ سال ۲۰۰۵) قانون دیوان عالی فدرال یکی از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال نظارت بر عدم مخالفت قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی با قانون اساسی است. با توجه به اینکه این نظارت پسینی است و توسط دادگاه صورت می‌گیرد شرح و فرایندهای آن در آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال مورد بررسی قرار گرفته است (صلاح‌خلف، ۲۰۱۱: ۷۲).

در قانون اساسی کشور سوریه به موجب ماده ۱۴۶ قانون اساسی نظارت بر قوانین و آیین‌نامه دولتی اولین صلاحیت دادگاه عالی قانون اساسی بیان شده است. نظارت بر قوانین و مقررات در سوریه مانند عراق پسینی است و فرایندهای آن به قرار ذیل است:

الف) نظارت بر قوانین

شکایت از قانون عادی ممکن است توسط مسئولین یا مردم عادی صورت گیرد. به موجب ماده ۱۲ قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی قانون اساسی و نیز ماده ۱۴۷ قانون اساسی در صورتی که رئیس‌جمهور یا یک‌پنجم نمایندگان مجلس قبل از صدور قانونی به مخالف آن با قانون اساسی بودن اعتراض داشته باشند دور آن بلافاصله با ثبت اعتراض در دفتر مخصوص دادگاه متوقف می‌شود و دادگاه در صورت عدم فوریت قانون، ظرف مدت پانزده روز از تاریخ ثبت، نسبت به اعتراض تصمیم‌گیری می‌کند و در صورتی که قانون دارای فوریت باشد دادگاه باید ظرف هفت روز از تاریخ ثبت نزد آن نسبت به اعتراض تصمیم‌گیری کند. بعد از رسیدگی اعتراض، دادگاه حداکثر ظرف سه روز از تاریخ صدور رأی آن را به اطلاع رئیس‌جمهور و رئیس مجلس می‌رساند. همچنین به موجب بند ۲ ماده ۱۴۷ قانون اساسی در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در حین تجدیدنظرخواهی از احکام استدلال کند که متن قانونی اعمال‌شده توسط دادگاهی که رأی آن مورد تجدید نظر قرار گرفته است مغایر با قانون اساسی است و دادگاه رسیدگی‌کننده به درخواست تجدید نظر دفاع را قابل بررسی تشخیص دهد، رسیدگی به پرونده را متوقف و دفاعیه را به دیوان عالی قانون اساسی ارسال می‌کند. دادگاه عالی قانون اساسی باید ظرف مدت سی روز از تاریخ ثبت آن تصمیم‌گیری کند. به موجب ماده ۱۵ آیین‌نامه داخلی دادگاه قانون اساسی سوریه در صورتی که دادگاه مغایرت قانونی با قانون

اساسی را تشخیص دهد باطل و بلااثر تلقی می‌شود و این مقررات به اطلاع کلیه مراجع عمومی می‌رسد و در روزنامه رسمی منتشر می‌شود (الشربجی، ۲۰۱۳: ۱۲۸ - ۱۲۹).

گرچه نظارت بر قوانین سوریه، همچنان که ذکر شد، پسینی است، به موجب ماده ۱۷ قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی قانون اساسی رئیس مجلس می‌تواند طرح پیشنهادی قانون را برای اظهار نظر در مورد مطابقت آن با احکام قانون اساسی به دادگاه ارجاع دهد. دادگاه ظرف پانزده روز از تاریخ وصول نظرخواهی و در صورت فوریت ظرف هفت روز نظر مستدل خود را اعلام می‌کند. دادگاه نظر خود را بدون انتشار به اطلاع رئیس مجلس می‌رساند. نکته قابل توجه آنکه به موجب ماده ۱۴۸ قانون اساسی سوریه دادگاه عالی قانون اساسی حق بررسی قوانینی را که رئیس‌جمهور به همه‌پرسی مردمی می‌گذارد و موافقت مردم را جلب می‌کند ندارد.

ب) نظارت بر آیین‌نامه‌های دولتی

به موجب ماده ۱۴ قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی قانون اساسی، نظارت بر آیین‌نامه‌ها بدین ترتیب است: در صورتی که پنج نفر از نمایندگان مجلس خلق ظرف مدت پانزده روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی به مخالف قانون اساسی بودن آیین‌نامه‌ها یا مقرره‌ای اعتراض کنند، اعتراض در دفتر مخصوص دادگاه ثبت می‌شود و دادگاه ظرف مدت پانزده روز از تاریخ ثبت نسبت به اعتراض تصمیم‌گیری می‌کند. دادگاه حداکثر ظرف سه روز از تاریخ صدور رأی خود را به اطلاع رئیس‌جمهور و رئیس مجلس می‌رساند. نسبت به حق اعتراض و شکایت مردم از آیین‌نامه‌ها گرچه در ماده ۱۴۷ قانون اساسی سوریه سخنی به میان نیامده، در ماده ۳۸ و ۳۹ قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی قانون اساسی بدان پرداخته است. به موجب ماده ۱۵ قانون شماره ۷ سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی قانون اساسی سوریه در صورتی که دادگاه مغایرت آیین‌نامه‌ای با قانون اساسی را تشخیص دهد باطل و بلااثر تلقی می‌شود و این مقررات به اطلاع کلیه مراجع عمومی می‌رسد و در روزنامه رسمی منتشر می‌شود (الشربجی، ۲۰۱۳: ۱۳۰؛ البحری، ۲۰۱۷: ۶۴).

۳-۲. نظارت بر انتخابات

میل به قدرت عمدتاً رقابت ناسالم و فسادزا را به دنبال دارد. پیشگیری از رقابت ناسالم بین داوطلبان، جلوگیری از تخلفات، احتراز از مفاسد احتمالی، و نیز صیانت از آرای مردم

مقتضی وجود ناظر برای برگزاری انتخابات است. هر جا تخلف و تقلب و خطای مجری قانون محتمل باشد، نظارت بر اجرا نیز موضوعیت پیدا می‌کند. این نهاد در کشورهای مختلف با فرایندها و به طرق متفاوت صورت می‌گیرد که ذیلاً سه کشور ایران و عراق و سوریه مورد بحث واقع می‌شود.

در کشور ایران انتخابات زیادی برگزاری می‌شود. انتخاباتی که شورای نگهبان عهده‌دار نظارت بر آن‌هاست در اصل ۹۹ قانون اساسی بدین ترتیب است: انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی. نظارت شورای نگهبان مستند به تفسیر آن شورا از اصل ۹۲ قانون اساسی استصوابی است. بدین معنا که در تمام مراحل شورای نگهبان وظیفه نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد. در اولین مرحله، که به موجب ماده ۱۵ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی تعیین زمان برگزاری انتخابات است، وزارت کشور مکلف است زمان پیشنهادی را برای تأیید شورای نگهبان ارسال کند. چه اینکه در صورت عدم هماهنگی لازم امکان نظارت توسط ناظر مختل و غیر قابل اجراست (نیکونهاد و عساکر، ۱۳۹۸: ۵). در مرحله رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، شورای نگهبان شرایط در نظر گرفته برای کاندیداها را به موجب سازکارهای قانونی بررسی می‌کند و نتیجه رسیدگی را که احراز یا رد صلاحیت باشد به داوطلب ابلاغ می‌دارد. گفتنی است نظارت شورای نگهبان دارای فرایند قانونی خاص خود است که به دلیل عدم اطالۀ کلام از ذکر آن خودداری می‌شود.

در کشور سوریه به موجب ماده ۸۵ قانون اساسی رئیس مجلس موظف است قبل از پایان دوره ریاست‌جمهوری مستقر در مدتی نه کمتر از شصت روز نه بیشتر از نود روز افراد واجد شرایط را برای انتخابات رئیس‌جمهور دعوت کند. درخواست نامزدی ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام فراخوان برای انتخاب رئیس‌جمهور به دیوان عالی قانون اساسی تسلیم و در دفتر ویژه ثبت می‌شود. مقبول شدن درخواست نامزد مشروط است به اینکه شخص متقاضی حداقل از سی و پنج عضو مجلس حمایت کتبی برای نامزدی خود داشته باشد. این در حالی است که یک عضو مجلس خلق فقط می‌تواند از یک نامزد حمایت کند. درخواست‌های نامزدی توسط دادگاه عالی قانون اساسی بررسی می‌شود و ظرف پنج روز پس از مهلت تعیین‌شده برای ثبت آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. بدین ترتیب دادگاه عالی قانون اساسی در فرایند ثبت کاندیدا نقش

حائز اهمیتی دارد؛ امری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به شورای نگهبان اعطا شده است. افزون بر آن نظارت بر برگزاری انتخابات و رسیدگی به شکایات و اعتراضات بعد از آن از وظایف و اختیارات شورای نگهبان است. در سوریه مستند به ماده ۸۹ قانون اساسی دادگاه عالی قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به شکایات مربوط به انتخاب رئیس‌جمهور را دارد. درخواست تجدید نظر ظرف سه روز از تاریخ اعلام نتایج توسط داوطلب تسلیم می‌شود و دادگاه ظرف هفت روز از پایان مهلت اعتراض در مورد آن با صدور رأی قطعی تصمیم می‌گیرد؛ چنان که به موجب ماده ۶۶ قانون اساسی سوریه همین صلاحیت در مورد انتخابات مجلس نیز جریان دارد. بدین ترتیب در سوریه نیز نوعی نظارت استصوابی البته به صورت کم‌رنگ‌تر برای دادگاه عالی قانون اساسی پذیرفته شده است (رزوق، ۲۰۲۴: ۵).

در عراق اما مسئله متفاوت است. چه اینکه کمیته‌ای مستقل شکایات و رسیدگی مرتبط به انتخابات را رسیدگی می‌کند. بدین جهت آیین‌نامه داخلی کمیته عالی مستقل انتخابات شماره ۱ سال ۲۰۲۳ همه امور مرتبط به شکایات و رسیدگی انتخاباتی را مطرح کرده است. به موجب ماده ۱ قانون شماره ۳۱ مصوب سال ۲۰۱۹ کمیسیون عالی مستقل انتخابات، کمیسیون عالی مستقل انتخابات یک نهاد حرفه‌ای مستقل و بی‌طرف است که واجد شخصیت حقوقی مستقل مالی و اداری است و تحت نظارت مجلس نمایندگان فعالیت می‌کند. این کمیسیون وظیفه وضع مقررات و دستورالعمل‌های انتخابات فدرالی و منطقه‌ای و محلی و برگزاری انواع انتخابات همه‌پرسی فدرالی و محلی و نظارت بر آن‌ها را عهده‌دار است (العنکبی، ۲۰۱۸: ۴۷). اما به موجب ماده ۹۳ قانون اساسی عراق مسئولیت تأیید صحت و قانونی بودن نتایج انتخابات مجلس یکی از وظایف دادگاه عالی فدرال عراق است. یعنی پس از برگزاری انتخابات این دادگاه با بررسی شکایات و گزارش‌های مختلف اطمینان حاصل می‌کند که فرایند انتخابات به درستی و طبق قوانین انجام شده است و سپس نتایج نهایی را به صورت رسمی تأیید می‌کند. این مرحله برای تضمین مشروعیت و قانونی بودن اعضای منتخب مجلس نواب ضروری است. افزون بر آن به موجب ماده ۵۲ قانون اساسی بررسی اعتراض به رأی مجلس درباره صحت عضویت اعضای پارلمان این کشور یکی دیگر از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال در امر انتخابات است. طبق این ماده، اگر اعتراضی در مورد صحت عضویت یکی از نمایندگان مطرح شود، ابتدا مجلس نمایندگان موظف است صحت عضویت اعضای خود را در مدت ۳۰

روز از تاریخ ثبت اعتراضات بررسی کند و این بررسی باید با رأی اکثریت دوسوم اعضای مجلس صورت گیرد. در صورتی که کسی به تصمیم مجلس در مورد صحت عضویت اعتراضی داشته باشد، می‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ صدور تصمیم به دادگاه عالی فدرال عراق شکایت کند. این بخش از ماده ۵۲ این امکان را فراهم می‌کند که از طریق قوه قضاییه (دادگاه عالی فدرال) بررسی مجدد صورت گیرد و تصمیمات مجلس بازنگری شود (الخاقانی، ۲۰۲۳: ۱۳۴).

۳-۴. تفسیر قانون اساسی

غموض و پیچیدگی مسائل جامعه و غیر قابل پیش‌بینی امور آتی و مستحده موجب آن است که نتوان در قوانین و مواد موضوعه از سوی مقنن همه مسائل را در نظر گرفت. این امر گاه موجب ابهام و مشتبه شدن قواعد حقوقی می‌شود. با این وصف نیاز به تفسیر و پرده‌برداری از مواد مشتبه و چندپهلوی امری واضح و مبرهن است. مشهور است که واضع هر قانونی خود مفسر نیز هست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قوه مؤسسان وضع شده؛ لکن با انقراض مجلس مؤسسان، به موجب اصل ۹۸ قانون اساسی، نهاد جانشین آن یعنی شورای نگهبان وظیفه تفسیر قانون اساسی را عهده‌دار است. فرایند آن به صورت خلاصه بدین شرح است که به موجب ماده ۱۸ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، مصوب ۱۳۷۹/۰۴/۲۲، تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری یا با درخواست رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضاییه، یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد. یعنی چهار مقام عالی کشور و اعضای آن شورا می‌توانند اصلی از اصول قانون اساسی را برای تفسیر ارجاع دهند. پس از آن شورای نگهبان به موجب ماده ۲۲ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان طی جلسه‌ای که مطابق ماده ۱۵ آیین‌نامه داخلی با حضور حداقل ۹ نفر از اعضا رسمیت می‌یابد از مصادیق تفسیر بودن مورد سؤال را بررسی می‌کند و در جلسه‌ای که با حضور باقی اعضا منعقد می‌شود به رأی می‌گذارد. در نهایت وفق ماده ۲۰ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان نظرهای تفسیری شورای نگهبان به مرجع درخواست‌کننده تفسیر و رئیس‌جمهور اعلام می‌شود و برای روزنامه رسمی و رسانه‌های همگانی فرستاده می‌شود.

در عراق به موجب ماده ۹۳ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ تفسیر قانون اساسی یکی از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال است. اما شیوه و کیفیت آن در قانون اساسی بیان نشده است؛

بلکه در آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال تبیین شده است (حمد، ۲۰۱۱: ۲۲۸؛ میرصادق، ۲۰۱۴: ۱۳۴). بر این اساس ابتدا به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شماره ۱ سال ۲۰۲۲ دادگاه عالی فدرال هر یک از رؤسای قوای سه‌گانه، وزارتخانه‌ها، نهادهای مستقل، رئیس ایالت‌ها، نهادهای غیر مستقل، و فرمانداران می‌توانند از دادگاه عالی فدرال تفسیر متن قانون اساسی را، که در اعمال آن اختلاف شده، به ترتیب زیر وفق ماده ۲۴ همان قانون از دادگاه عالی فدرال تقاضا کنند:

اولاً درخواست حاوی متن مورد تفسیر به صورت کتبی و موقع به امضای رئیس نهاد تقاضا دهنده به دادگاه ارسال شود.

ثانیاً پس از ثبت درخواست در دادگاه عالی فدرال آن دادگاه می‌تواند کسی را که لازم بداند احضار یا کتباً تقاضای توضیح کند.

ثالثاً رونوشتی از تقاضانامه و کلیه ضمایم آن به رئیس و اعضای دادگاه ارائه می‌شود و دادگاه، بدون درخواست، تاریخ رسیدگی را تعیین و در همان تاریخ یا تاریخ دیگری رأی خود را صادر می‌کند (صلاح‌خلف، ۲۰۱۱: ۸۰).

در ماده ۱۴۶ قانون اساسی سوریه برخی از صلاحیت‌های دادگاه عالی قانون اساسی نام برده شده که صلاحیت تفسیر قانون اساسی در ضمن آن‌ها بیان نشده است. اما در بند ۶ همین ماده گفته شده صلاحیت‌های دیگر را قانون معین می‌کند. در ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی قانون اساسی یکی از صلاحیت‌های بیان شده لایحه تفسیر قانون اساسی از سوی دادگاه عالی قانون اساسی است. اما شیوه و فرایند آن به موجب بند «ط» ماده ۱۱ همان قانون بدین نحو است که ابتدا رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، یا نخست‌وزیر تقاضای تفسیر درباره متن قانون اساسی را به دادگاه عالی قانون اساسی ارسال می‌دارد. پس از تقاضای طلب از سوی مقامات یادشده دادگاه عالی قانون اساسی به موجب ماده ۴۲ آیین‌نامه داخلی ظرف ۱۵ روز از تاریخ ورود تقاضا و ۷ روز در صورت ضرورت اقدام به امر تفسیر می‌کند (دراجی، ۲۰۲۰: ۱۹).

در مقام ارزیابی حقوقی و مقایسه سه قانون در سه کشور مختلف به نظر می‌رسد شیوه تفسیر در قانون جمهوری اسلامی ارجحیت دارد. چه اینکه نهادی قانونی مستقل و خارج از تشکیلات قوای سه‌گانه قوانین عموماً حاکم بر قوای سه‌گانه را مورد تفسیر قرار می‌دهد؛ به

خلاف شیوه دادگاهی به‌خصوص در کشور عراق، که دادگاه عالی فدرال به موجب ماده ۹۲ قانون اساسی جزئی از قوه قضاییه محسوب می‌شود.

نکته دیگر آنکه در شیوه دادگاهی قضایی دادگاه عالی فدرال نمی‌تواند از جانب خود و بدون تقاضا از نهاد و مقام خاص اقدام به تفسیر قانون اساسی کند. زیرا افزون بر محتوای قوانین یادشده، که یکی از فرایندهای تفسیر را تقاضا از نهاد و مقام خاص ذکر کرده‌اند، دادگاه بودنشان نیز چنین اقتضایی را دارد؛ بدین توضیح که مطابق قوانین و قواعد حاکم بر نهادهای قضایی یکی از اصول و قواعد مسلم طلب از سوی شخص و نهاد دیگر است و نمی‌تواند بدون تقاضا و خودسرانه اقدام به صدور رأی یا تشکیل پرونده‌ای کنند. اساساً یکی از وجوه اختلاف در شورای نگهبان و دادگاه در دو کشور عراق و سوریه همین نکته است که با توجه به استقلال شورای نگهبان و پیشینی بودن نظارت در آن خودش رأساً و بدون تقاضا از سوی نهاد و شخص دیگر می‌تواند اقدام به تفسیر متن قانون اساسی کند؛ برخلاف شیوه دادگاهی که همواره پس از طلب صورت می‌پذیرد.

۴-۴. حل اختلافات در تطبیق قوانین

عراق مطابق قانون اساسی سال ۲۰۰۵ نظام عدم تمرکز سیاسی و اداری را اتخاذ کرده است. بر این اساس در ماده ۱۱۰ قانون اساسی صلاحیت‌های منحصراً مقامات مرکزی را تعیین کرده و نیز در ماده ۱۱۴ همان قانون صلاحیت‌های مشترک مقامات مرکزی و محلی را بیان کرده است (خالد، ۲۰۱۵: ۳۳۶). در مواردی که از صلاحیت‌های انحصاری مقامات مرکزی نباشد از صلاحیت‌های اقلیم و استان‌های غیر گنجانده شده در اقلیم است و چنانچه مورد اختلاف قرار گیرد، اولویت با قانون اقلیم و استان‌های غیر منتظم است. اما چنانچه خلاف بین قانون فدرال و محلی در زمره صلاحیت‌های انحصاری مقامات فدرال باشد ارجحیت با قانون فدرال است. چون در غیر این صورت نمی‌توان آن دولت را فدرال نامید (الطباطبایی، ۱۹۸۰: ۹۶). به موجب قانون اساسی عراق رفع این‌گونه اختلافات، که ناشی از تطبیق قوانین و آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها و رویه‌های صادر از مقامات محلی است، از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال است. برخی از حقوق‌دانان عراقی بند ۳ ماده ۹۳ عراق را مورد نقد قرار داده‌اند؛ بدین توضیح که اگر اختلافات ناشی از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و رویه‌های صادر از

مقامات محلی باشد، حل آن از صلاحیت‌های دادگاه بدوی قانون اداری است و لازم نیست در دادگاه عالی فدرال مطرح شود (مهدی، ۱۹۹۷: ۶۷).

۴-۵. حل اختلاف دولت‌های فدرال

با عطف توجه به فدرالی بودن نظام سیاسی عراق، اطراف مختلفی نظیر مقامات مرکزی، ایالت‌ها، استان‌هایی که در ضمن اقلیم گنجانده نشده در آن وجود دارد. رفع اختلافات در همه این اطراف از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال است. از این رو چنانچه بین دولت فدرال و دولت‌های مناطق، استان‌های غیر منتظم، شهرداری‌ها، و ادارات محلی اختلافی ایجاد شود و نیز چنانچه این اختلاف بین دولت‌های مناطق و محلی رخ دهد، حل آن از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال است. با وجود این، به نظر می‌رسد ترکیب دو بند ۴ و ۵ ماده ۹۳ قانون اساسی عراق معقول باشد. چه اینکه محتوای هر دو بند یک نکته است و آن رفع اختلاف بین طرف‌های دولت فدرال است (صلاح‌خلف، ۲۰۱۱: ۹۰).

۴-۶. حل اختلاف نهادهای قضایی دولت فدرال

یکی از اختلافات در دولت فدرال ممکن است در صلاحیت بین نهادهای قضایی مرکزی و غیر مرکزی یا نهادهای غیر مرکزی با هم ایجاد شود. رفع این خصومت و تعیین نهایت صلاحیت‌دار در مورد دعوی به موجب بند ۸ ماده ۹۳ قانون اساسی عراق از صلاحیت‌های دولت فدرال است (خالد، ۲۰۱۵: ۳۷۹).

۴-۷. رسیدگی به اتهامات مقامات ارشد

یکی از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال مطابق بند ۹ ماده ۹۳ قانون اساسی عراق رسیدگی به اتهاماتی است که متوجه رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، و وزیران می‌شود. گفتنی است با توجه به ماده ۱۳۸ قانون اساسی عراق مبنی بر اینکه هر جا لفظ «رئیس‌جمهور» در این قانون استفاده شود تعبیر «مجلس رئاسه» استعمال شود، قانون یادشده مشمول نائب رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، و به زعم برخی حتی رئیس نهادهای مستقل نیز می‌شود. زیرا این افراد به حسب سلسله مراتب اداری کمتر از وزیر نیستند (مهدی، ۱۹۹۷: ۴۰). گفتنی است اتهامات یادشده، از قبیل حث قسم، نقض قانون اساسی، و خیانت به کشور است. در قانون دادگاه عالی قانون اساسی سوریه به موجب ماده ۱۱ یکی از صلاحیت‌های این نهاد رسیدگی به خیانت رئیس‌جمهور است. این در حالی است که رسیدگی به موارد یادشده در ایران توسط

قوة قضاییه صورت می‌پذیرد. علت عمده تفاوت در نهاد رسیدگی‌کننده این است که اساساً شورای نگهبان نهاد قضایی محسوب نمی‌شود بلکه نهادی سیاسی است که برخی از موارد مانند دادرسی انتخابات از جهت ناظر بودن به آن واگذار شده است.

گفتنی است شورای نگهبان فاقد صلاحیت‌های اخیر است و در قانون بدین موارد اشاره‌ای نشده است. چه اینکه این صلاحیت‌ها ناشی از نوع نظام حاکم بر آن کشورهاست و در کشور ایران، که شکل دولت بسیط و یکپارچه دارد، مثلاً بحث از حل اختلافات دولت فدرال مفهومی ندارد. البته افزون بر صلاحیت‌هایی که در ابتدا برای شورای نگهبان بیان شد برخی از صلاحیت‌های دیگر نیز وجود دارد که تحت عنوان صلاحیت‌های فرعی (جوان‌آراسته، ۱۳۹۷: ۱۸۶) از آن‌ها نام برده می‌شود. مواردی مانند عضویت یکی از فقها در شورای موقت رهبری به موجب اصل ۱۱۱ قانون اساسی یا عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی از این نوع وظایف است.

نتیجه‌گیری

پی‌جویی تطبیقی ساختار و صلاحیت‌های شورای نگهبان در ایران و نهادهای مشابه در عراق و سوریه نشان می‌دهد هر یک از قوانین و قواعد حقوقی این سه کشور در حوزه ساختار و صلاحیت‌های نهادهای یادشده واجد مزایا و عیوبی است. مثلاً کشور عراق در محتویات برخی از قواعد حقوقی مرتبط با ساختار، شفافیت و تنقیح قابل توجه و در برخی دیگر از قواعد حقوقی اجمال، ابهام و تعدیل‌های تورم‌زا قابل مشاهده می‌باشد. این در حالی است که در ایران ثبوت و استمرار قواعد حقوقی و فقدان بازنگری‌های غیر متعارف موجبات استحکام و قوت قواعد حقوقی و اهتمام و ارجح به جایگاه شورای نگهبان را فراهم آورده است؛ امری که در سوریه با کمی تفاوت قابل ملاحظه است. گرچه نهادهایی در سه کشور با نظام حقوقی متفاوت مورد کاوش قرار گرفته است، این امر موجب اختلاف در صلاحیت‌ها و وظایف محوله شده است. اما در ساختار و تشکیلات اداری تفاوت چشمگیری وجود ندارد. بدین جهت فقدان برخی از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال عراق در شورای نگهبان و دادگاه عالی قانون اساسی در سوریه به جهت قضایی بودن دادگاه عالی فدرال عراق و حقوقی بودن شورای نگهبان از سویی و تفاوت در شکل دولت ایران و عراق و سوریه از سویی دیگر است. مثلاً رسیدگی به خیانت مقامات ارشد دولتی در عراق و رئیس‌جمهور در سوریه توسط این دو نهاد

به جهت ماهیت قضایی داشتن صورت می‌گیرد و در ایران به جهت ماهیت سیاسی شورای نگهبان این امر منتفی است. همچنین نکته مهم دیگر این است که نظارت از سوی شورای نگهبان برای عدم مخالف قوانین با شریعت اسلامی و قانون اساسی است؛ به خلاف دادگاه عالی در عراق و سوریه که تنها مخالفت با قانون اساسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۸۹ قانون اساسی عراق (۲۰۰۵): «تتكون السلطة القضائية الاتحادية من مجلس القضاء الاعلى، والمحكمة الاتحادية العليا، ومحكمة التمييز الاتحادية، وجهاز الادعاء العام، وهيئة الاشراف القضائية، والمحاكم الاتحادية الاخرى التي تنظم وفقا للقانون».
۲. ماده ۱۴۰ قانون اساسی سوریه (۲۰۱۲): «المحكمة الدستورية العليا هيئة قضائية مستقلة مقرها مدينة دمشق».
۳. مقصود از «قانون اساسی سوریه» در این پژوهش قانون مصوب ۲۰۱۲ در دوران ریاست‌جمهوری بشار اسد است. پس از تحولات سیاسی سوریه این قانون عملاً ملغی شد.
۴. ماده ۱۴۶ قانون اساسی سوریه (۲۰۱۲):
«اختصاصات المحكمة الدستورية العليا تشمل:
- الرقابة على دستورية القوانين
- إبداء الرأي في دستورية مشروعات القوانين
- الإشراف على انتخاب رئيس الجمهورية
- النظر في الطعون الانتخابية
- محاكمة رئيس الجمهورية في حالة الخيانة العظمى».
۵. ماده ۹۲ قانون اساسی عراق:
- المحكمة الاتحادية العليا هيئة قضائية مستقلة
- تتكون من قضاة وخبراء في الفقه الاسلامي والقانون
- ينظم عملها بقانون يوافق عليه مجلس النواب بأغلبية الثلثين
۶. ماده ۴ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):
«شروط تعيين أعضاء المحكمة الدستورية:
- الجنسية السورية
- العمر بين ۴۰ و ۷۲ سنة
- إجازة في الحقوق
- خبرة ۱۵ سنة في القضاء أو المحاماة أو التدريس».

٧. مادة ١٤١ قانون اساسی سوریه (٢٠١٢): «تؤلف المحكمة الدستورية العليا من سبعة أعضاء على الأقل يسميهم رئيس الجمهورية بمرسوم».
٨. مادة ٦ قانون ٣٠ عراق (٢٠٠٥): «يستمر رئيس و أعضاء المحكمة الاتحادية العليا بالخدمة دون تحديد حد أعلى للعمر إلا إذا رغب بترك الخدمة».
٩. مادة ٣ قانون اصلاحی عراق (٢٠٢١): «يحال رئيس ونواب واعضاء المحكمة إلى التقاعد عند بلوغ ٧٢ سنة».
١٠. مادة ١٤٢ قانون اساسی سوریه: «لا يجوز الجمع بين عضوية المحكمة الدستورية العليا وتولي الوزارة أو عضوية مجلس الشعب».
١١. مادة ٩٨ قانون اساسی عراق: «يحظر على القاضي وعضو الادعاء العام الانتماء إلى أى حزب أو ممارسة النشاط السياسی».
١٢. مادة ٩٣ قانون اساسی عراق:
- «اختصاصات المحكمة الاتحادية العليا تشمل:
- الرقابة على دستورية القوانين
- تفسير الدستور
- الفصل في المنازعات بين الحكومة الاتحادية والأقاليم
- المصادقة على نتائج الانتخابات النيابية».
١٣. مادة ١٤٧ قانون اساسی سوریه:
- «إجراءات الرقابة على دستورية القوانين:
- مدة البت في الاعتراضات: ١٥ يوم (٧ أيام للحالات المستعجلة)
- إذا قررت المحكمة عدم الدستورية، يعد النص لاغياً بأثر رجعي».
١٤. مادة ٨٥ قانون اساسی سوریه:
- «شروط الترشح لرئاسة الجمهورية:
- تأييد ٣٥ عضو من مجلس الشعب
- فحص الطلبات من قبل المحكمة الدستورية خلال ٥ أيام».
١٥. مادة ١ قانون كمسيون انتخابات عراق (٢٠١٩): «تؤسس المفوضية العليا المستقلة للانتخابات كهيئة مهنية محايدة تتمتع بالاستقلال المالي و الإداري».
١٦. مادة ٥٢ قانون اساسی عراق: «لمجلس النواب صلاحية البت في صحة عضوية أعضائه خلال ٣٠ يوم، مع حق الطعن أمام المحكمة الاتحادية العليا».
١٧. مادة ١١٠ قانون اساسی عراق:
- «الاختصاصات الحصرية للسلطة الاتحادية تشمل:
- السياسة الخارجية
- الأمن الوطني
- السياسة المالية والنقدية

– إدارة مصادر المياه».

۱۸. ماده ۱۱۴ قانون اساسی عراق:

«الاختصاصات المشتركة بين الاتحاد والأقاليم تشمل:

– إدارة الكمارك

– سياسات البيئة

– التنمية الصحية والتعليمية

– إدارة الموارد المائية».

۱۹. ماده ۱۹ آیین‌نامه دادگاه عالی عراق (۲۰۲۲): «للسلطات الاتحادية طلب البت في دستورية النصوص القانونية

التي تتعارض مع مهامها».

۲۰. ماده ۱۱ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):

«اختصاصات إضافية للمحكمة الدستورية:

– تفسير نصوص الدستور

– البت في فقدان شروط الترشح للرئاسة أو البرلمان».

۲۱. ماده ۶ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):

«ممنوعيت تصدى مشاغل دیگر برای اعضای دادگاه عالی قانون اساسی:

– ممنوعيت هم‌زمانی عضویت با وزارت یا مجلس شعب

– ممنوعيت عضویت در شوراهاى محلى

– استثناء: امکان تدریس در دانشگاه‌ها».

۲۲. ماده ۶۱ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):

«وضعیت حقوقی وكلا در صورت انتخاب به عضویت دادگاه:

– تعليق پروانه وكالت در مدت عضویت

– محاسبه مدت عضویت در سابقه بازنشستگی

– الزام به پرداخت حق عضویت به كانون وكلا».

۲۳. ماده ۹۳ قانون اساسی عراق (۲۰۰۵):

«صلاحیت‌های محکمه اتحادیه عالی:

– نظارت بر انطباق قوانین با قانون اساسی

– تفسير متن‌های قانون اساسی

– حل اختلافات بین حکومت مرکزی و مناطق

– رسیدگی به اتهامات مقامات عالی‌رتبه

– تأیید نتایج نهایی انتخابات مجلس».

۲۴. ماده ۲ قانون اصلاحی عراق (۲۰۲۱):

- «توسعه صلاحیت‌های محکمه اتحادیه:
- افزودن اختیار رسیدگی به اختلافات قضایی بین مناطق
 - تعیین مهلت ۳۰ روزه برای رسیدگی به تصمیمات مجلس».
۲۵. ماده ۱۴۶ قانون اساسی سوریه (۲۰۱۲):
- «وظایف محکمه قانون اساسی:
- نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری
 - رسیدگی به شکایات انتخاباتی
 - محاکمه رئیس جمهور در موارد خیانت بزرگ».
۲۶. ماده ۱۲ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):
- «سازکار نظارت بر قوانین:
- امکان اعتراض رئیس جمهور یا ۵/۱ نمایندگان
 - مهلت ۱۵ روزه برای رسیدگی (۷ روز در موارد فوری)
 - الزام به ابلاغ رأی به مراجع ذی ربط».
۲۷. ماده ۱۴۷ قانون اساسی سوریه:
- «آثار تصمیمات محکمه:
- ابطال قوانین مغایر با اثر رجعی
 - عدم ایجاد هر گونه اثر حقوقی برای مواد ابطالی».
۲۸. ماده ۱۷ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):
- «روند اظهار نظر پیش از تصویب:
- درخواست تفسیر از سوی رئیس مجلس شعب
 - مهلت ۱۵ روزه برای پاسخ (۷ روز در موارد فوری)
 - محرمانه ماندن نظریه مشورتی».
۲۹. ماده ۱۴۸ قانون اساسی سوریه: «استثنائات صلاحیت نظارتی: عدم امکان نظارت بر قوانین تصویب شده با همه پرسی».
۳۰. ماده ۱۴ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):
- «نظارت بر مصوبات اجرایی:
- امکان اعتراض ۵/۱ نمایندگان به آیین نامه‌ها
 - مهلت ۱۵ روزه برای رسیدگی
 - الزام به انتشار تصمیمات در روزنامه رسمی».
۳۱. مواد ۳۸ و ۳۹ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):
- «رسیدگی به دعاوی قضایی:
- مهلت ۳۰ روزه برای رسیدگی به دعاوی

- شرایط پذیرش دعوی: جدی و لازم بودن
- انتشار آرا در روزنامه رسمی.
- ۳۲. ماده ۱۵ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):
- «آثار تصمیمات ابطالی:
- بطلان با اثر رجعی
- الزام به انتشار در روزنامه رسمی.
- ۳۳. ماده ۸۵ قانون اساسی سوریه:
- «شرایط نامزدی ریاست جمهوری:
- تأیید ۳۵ نماینده مجلس
- بررسی صلاحیت‌ها توسط محکمه در ۵ روز.
- ۳۴. ماده ۸۹ قانون اساسی سوریه:
- «رسیدگی به شکایات انتخاباتی:
- مهلت ۳ روزه برای تقدیم شکایت
- مهلت ۷ روزه برای رسیدگی.
- ۳۵. ماده ۶۶ قانون اساسی سوریه: «نظارت بر انتخابات مجلس: شرایط مشابه شکایات ریاست جمهوری».
- ۳۶. ماده ۱ قانون ۳۱ عراق (۲۰۱۹):
- «تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات:
- استقلال مالی و اداری
- نظارت بر کلیه انتخابات سراسری.
- ۳۷. ماده ۵۲ قانون اساسی عراق:
- «نظارت بر اعتبارنامه‌های نمایندگی:
- مهلت ۳۰ روزه برای مجلس
- امکان تجدیدنظرخواهی در محکمه اتحادیه.
- ۳۸. ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی محکمه عراق (۲۰۲۲):
- «درخواست‌های تفسیری:
- محدود به مراجع رسمی
- ارتباط با وظایف مرجع درخواست‌کننده.
- ۳۹. ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی محکمه عراق (۲۰۲۲):
- «تشریفات درخواست تفسیر:
- تقدیم کتبی با امضای مقام ذیصلاح
- امکان استعلام توضیحات تکمیلی.

۴۰. مواد ۱۱۰ و ۱۱۴ قانون اساسی عراق:

«تقسیم صلاحیت‌های حکومتی:

– امور حاکمیتی مختص حکومت مرکزی

– امور مشترک با مناطق و استان‌ها».

۴۱. ماده ۱۱ قانون ۷ سوریه (۲۰۱۴):

«صلاحیت‌های تکمیلی محکمه:

– نظارت بر سلامت انتخاباتی

– رسیدگی به فقدان شرایط نامزدها

– تفسیر قانون اساسی به درخواست مقامات».

منابع

کتب

فارسی

- امامی، م.، و استوارسنگری، ک. (۱۳۹۷). *حقوق اداری*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- پروین، خ.، و اصلانی، ف. (۱۳۹۱). *اصول و مبانی حقوق اساسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تسخیری، م. (۱۳۸۶). *در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- جوان آراسته، ح. (۱۳۹۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. قم: مؤسسه انتشاراتی دارالحديث.
- دانش پژوه، م. (۱۳۸۹). *مقدمه علم حقوق*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عمید زنجانی، ع. (۱۳۸۷). *کلیات حقوق اساسی*. تهران: مجد.
- _____ (۱۴۲۱ ق). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
- قاضی شریعت پناهی، ا. (۱۳۷۵). *بایسته های حقوق اساسی*. تهران: دادگستر.
- لطفی، ا. (۱۳۸۹). *حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران*. تهران: جاودانه.
- محسنی، ف. (۱۳۹۵). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مدنی، س.ج. (۱۳۸۷). *حقوق اداری*. تهران: پایدار.
- نظرپور، م. (۱۳۹۴). *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. قم: دفتر نشر معارف.
- هاشمی، س.م. (۱۳۸۵). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: میزان.
- ورعی، س.ج. (۱۳۸۶). *مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

عربی

- حمید، ح.خ. (۲۰۱۵). *القانون الدستوري و تطور النظام السياسي في العراق*. بيروت: مكتبة السنهوري.
- الخاقاني، غ. ز. ع.، و محمدرضا، ا. (۲۰۲۳). *اختصاصات المحكمة الاتحادية العليا و إجراءات إقامة الدعوى أمها*. كوفه: مكتبة النجف الاشرف.
- دراجی، ا. (۲۰۲۰). *المحكمة الدستورية العليا اشكالياتها و كيف يمكن ان يكون ضامنہ لمبادئ*

الشرعیة و المواطنة. بیروت: مكتبة السنهوري.

رزوق، ی. (۲۰۲۴). دور القضاء الدستور السوري فی فصل الطعون الانتخابية البرلمانية. المنظمة العربية للقانون الدستوري.

صلاح، خ. ع. (۲۰۱۱). المحكمة الاتحادية العليا فی العراق تشكيلها و اختصاصاتها دراسة مقارنة. بغداد: جامعة النهرين.

العنکبی، ر. ح. ح. (۲۰۱۸). الطعون الانتخابية الخاصة بصحة انتخاب أعضاء مجلس النواب العراقي (دراسة مقارنة). عمان: جامعة الشرق الاوسط.

غازی، ف. م. (۱۹۹۷). نصوص دستور جمهورية العراق فی الميزان. بغداد: جامعة النهرين.

الموزانی، ح. ع. ض. خ. (۲۰۱۷). استقلال القضاء الدستوري و أثره فی الرقابة على دستورية القوانين (دراسة مقارنة). ذی قار: جامعة ذی قار.

مقالات

اسماعيل، ا. (۲۰۰۱). حول تفعيل دور المحكمة الدستورية العليا دراسة مقارنة. جامعة دمشق، ۱۷(۲)، ۱ - ۲۰.

البحري، ح. م. (۲۰۱۷). رقابة الدستورية فی الجمهورية العربية السورية دراسة تحليلية فی ضوء قانون المحكمة الدستورية العليا رقم ۷ لعام ۲۰۱۴. جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية و القانونية، ۳(۱)، ۴۵ - ۶۰.

الشربجي، ج. (۲۰۱۳). دور المحكمة الدستورية العليا على دستورية القوانين فی الجمهورية العربية السورية بين الدستور ۱۹۷۳ و ۲۰۱۲. جامعة دمشق، ۲۵(۳)، ۶۷ - ۸۳.

شمسيه خنكداری، م. (۱۳۹۹). اصل ممنوعیت کارکنان دولت از تصدی بیش از یک شغل در رویه قضایی دیوان عدالت اداری. هشتمین همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۲۷ شهریور ۱۳۹۹.

عباسی، ب.، و حسینی الموسوی، س. م. (۱۳۹۹). بررسی رویه شکلی شورای نگهبان در انطباق مقررات دولتی با شرع. حقوق اداری، ۲۵، زمستان ۱۳۹۹.

نیکنهاد، ح.، و عساکره، ز. (۱۳۹۸). گستره اقتضائات نظارت استصوابی بر انتخابات در نظر شورای نگهبان با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی. دانش حقوق عمومی، ۶(۲۶): ۷۳ - ۹۵.

پایان نامه ها

درویش حمد، ف. (۲۰۱۱). اختصاصات المحكمة الاتحادية العليا في العراق. رسالة دكتوری. دانشگاه سلیمانیه.

میرصادق، ج. س. (۲۰۱۴). المحكمة الاتحادية العليا و دورها في العراق الجديد. پایان نامه کارشناسی/ارشد. دانشگاه بیروت العربیه.

اسناد و مدارک

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).

قانون اساسی عراق (۲۰۰۵).

قانون اساسی جمهوری عربی سوریه (۱۹۲۰).

قانون اساسی جمهوری عربی سوریه (۱۹۳۰).

قانون اساسی جمهوری عربی سوریه (۲۰۱۲).

آیین نامه داخلی شورای نگهبان (۱۳۷۹). مصوب ۱۳۷۹/۰۴/۲۲.

آیین نامه داخلی دادگاه عالی فدرال عراق (۲۰۲۲). شماره ۱.

قانون دادگاه عالی قانون اساسی سوریه (۲۰۱۴). شماره ۷.

قانون دادگاه عالی عراق (۲۰۰۵). شماره ۵.

قانون اصلاحیه اول (دستور شماره ۳۰ سال ۲۰۰۵) (۲۰۲۱). شماره ۲۵.

آیین نامه داخلی کمیته عالی مستقل انتخابات عراق (۲۰۲۳). شماره ۱.

قانون قوه قضاییه سوریه (۱۹۶۱).

قانون انتخابات مجلس نمایندگان و شوراهای استان ها و شهرهای عراق (۲۰۱۸). شماره ۱۲.

قانون کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق (۲۰۱۹). شماره ۳۱.

References

Persian Books

1. Emami, M., & Estewarsangari, K. (2018). *Administrative law* (22nd ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation.
2. Parvin, Kh., & Aslani, F. (2012). *Principles and fundamentals of constitutional law*. Tehran: University of Tehran Press.
3. Tashkiri, M. (2007). *Under the light of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.

4. Jafari Langroudi, M. J. (2008). *Legal terminology* (19th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh.
5. Javan Arasteh, H. (2018). *Constitutional law of the Islamic Republic of Iran*. Qom: Dar al-Hadith Publications.
6. Daneshpajouh, M. (2010). *Introduction to jurisprudence* (2nd ed.). Qom: Research Institute of Hawza and University.
7. Amid Zanjani, A. A. (2000). *Political jurisprudence* (Vol. 2, 4th ed.). Tehran: Amir Kabir Publications.
8. Amid Zanjani, A. A. (2008). *General principles of constitutional law* (2nd ed.). Tehran: Majd Publications.
9. Ghazi Shariatpanahi, A. (1996). *Essentials of constitutional law* (6th ed.). Tehran: Dadgostar Publishing.
10. Lotfi, A. (2010). *Constitutional law and structure of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Javidaneh Publications.
11. Mohseni, F. (2016). *Constitutional law of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Imam Sadiq University Press.
12. Madani, S. J. (2008). *Administrative law*. Tehran: Paydar Publications.
13. Nazarpour, M. (2015). *Introduction to the Constitution of the Islamic Republic of Iran* (19th ed.). Qom: Ma'aref Publishing Office.
14. Hashemi, S. M. (2006). *Constitutional law of the Islamic Republic of Iran* (7th ed.). Tehran: Mizan Publications.
15. Var'ai, S. J. (2007). *Foundations and documents of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Assembly of Experts Research Office.

Arabic Books

1. Hameed, H. Kh. (2015). *Constitutional law and the evolution of the political system in Iraq*. Beirut: Al-Sanhouri Library.
2. Al-Khaqani, Gh. Z. A., & Mohammed Reza, A. (2023). *Jurisdictions of the Federal Supreme Court and its litigation procedures*. Kufa.
3. Darraji, I. (2020). *The constitutional court: Its challenges and how it can guarantee principles of legitimacy and citizenship*.
4. Razzouq, Y. (2024). *The role of Syrian constitutional judiciary in parliamentary electoral appeals*. Arab Organization for Constitutional Law.
5. Salah, Kh. A. (2011). *The Federal Supreme Court in Iraq: Its formation and jurisdictions (A comparative study)*. Baghdad: Al-Nahrain University.
6. Al-Ankabi, R. H. H. (2018). *Electoral appeals concerning the validity of Iraqi Council of Representatives elections (Comparative study)*. Amman: Middle East University.
7. Ghazi, F. M. (1997). *The texts of Iraq's constitution in balance* (1st ed.).
8. Al-Mozani, H. A. D. Kh. (2017). *The independence of constitutional judiciary and its impact on constitutional review of laws (Comparative study)*. Dhi Qar: University of Dhi Qar.

Articles

1. Ismail, A. (2001). Activating the role of the Constitutional Court: A comparative study. *Damascus University Journal*, 17(2), 1-20.
2. Al-Bahri, H. M. (2017). Constitutional review in the Syrian Arab Republic: An analytical study in light of Constitutional Court Law No. 7 of 2014. *Damascus University Journal for Economic and Legal Sciences*, 3(1), 45-60.
3. Al-Sharbaji, J. (2013). The role of the Constitutional Court in reviewing the constitutionality of laws in the Syrian Arab Republic between the 1973 and 2012 constitutions. *Damascus University Journal*, 25(3), 67-83.
4. Abbasi, B., & Al-Husseini Al-Mousawi, S. M. (2020). Examining the Formal Procedure of the Guardian Council in the Compliance of Government Regulations with Sharia.. *Administrative Law Quarterly*, 25, Winter 2020.
5. Nikounahad, H., & Askareh, Z. (2019). The Scope and Requirements of the Election Supervision in the Guardians Council's Decisions; with the Emphasis on the Parliamentary Elections. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 6(26), 73-95.

Dissertation

1. Darwish Hamad, F. (2011). *The jurisdictions of the Federal Supreme Court in Iraq* [Doctoral dissertation, University of Sulaymaniyah].
2. Mirsadegh, J. S. (2014). *The Federal Supreme Court and its role in the new Iraq* [Master's thesis, Arab University of Beirut].

Constitutional Documents

1. Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1979). [Original adoption date: 1358 SH]
 2. Constitution of Iraq. (2005).
 3. Constitution of the Syrian Arab Republic. (1920).
 4. Constitution of the Syrian Arab Republic. (1930).
 5. Constitution of the Syrian Arab Republic. (2012).
- Laws and Regulations:
6. Internal Regulations of the Guardian Council. (2000). [Approved 2000/7/13 - Original Persian date: 1379/4/22]
 7. Internal Regulations of the Iraqi Federal Supreme Court. (2022). No. 1.
 8. Law of the Syrian Constitutional Court. (2014). No. 7.
 9. Law of the Iraqi Supreme Court. (2005). No. 5.
 10. First Amendment Law (Order No. 30 of 2005). (2021). No. 25.
 11. Internal Regulations of the Iraqi Independent High Electoral Commission. (2023). No. 1.
 12. Judicial Authority Law of Syria. (1961).
 13. Law of Elections for the Council of Representatives and Governorate/ Municipal Councils of Iraq. (2018). No. 12.
 14. Law of the Independent High Electoral Commission of Iraq. (2019). No. 31.